

تذکرہ فقہی

حضرت محسن
درمنابع اہلسنت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تازیانه بر وحی

نویسنده:

علی لباف

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تاریخچه بر وحی
۶	مشخصات کتاب
۶	گفتار یکم: شیوه‌های تحریف اسناد سقط حضرت محسن علیه السلام
۶	مقدمه
۶	شیوه یکم: انکار سقط حضرت محسن علیه السلام
۶	اشاره
۶	قالب اول: ادعای مرگ حضرت محسن علیه السلام در کودکی!
۷	قالب دوم: ادعای مرگ حضرت محسن علیه السلام در نوزادی!
۷	قالب سوم: ادعای مرگ حضرت محسن علیه السلام بلافاصله پس از تولد!
۷	شیوه دوم: کتمان حوادث سقط حضرت محسن علیه السلام
۷	نشانه‌های کشف حقیقت
۸	گفتار دوم: آشنایی با حقیقت ماجرای سقط حضرت محسن علیه السلام
۸	حقیقت پنهان
۸	آشنایی با شخصیت علمی «نظام»
۸	متن اعتراف «نظام» درباره حضرت محسن علیه السلام
۹	پی‌نوشت
۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تازیانه بر وحی

مشخصات کتاب

سرشناسه: لباف علی ۱۳۵۳ - عنوان و نام پدیدآور: تازیانه بر وحی حضرت محسن علیه السلام در منابع اهل سنت به اهتمام علی لباف مشخصات نشر: تهران: منیر، ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۲۳ ص. شابک: ۴۰۰۰ ریال ۹۶۴ - ۵۳۹ - ۰۰۳ - ۶: وضعیت فهرست نویسی: فایا یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق - - نظر اهل سنت رده بندی کنگره: ۸۳ / BP۳۷ / ل ۲ ت ۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۱ شماره کتابشناسی ملی: ۸۵ - ۷۵۰۰

گفتار یکم: شیوه‌های تحریف اسناد سقط حضرت محسن علیه السلام

مقدمه

به دلیل کتمان حوادث تلخ و رسواکننده هجوم به «بیت فاطمه علیها السلام» به دست تاریخ نویسان مکتب خلافت و محو اسناد تاریخی حاکی از ایراد «ضرب و جرح» به حضرت زهرا علیها السلام از صفحات کتب اهل سنت، بازخوانی ماجرای جانگداز سقط حضرت محسن علیه السلام نیازمند به کشف سرنخهای پنهان و معدودی می‌باشد که بایستی از لابلای انبوهی از اوراق، استخراج گردد. (۱) چرا که بخش عمده ای از مدارک تاریخی و اسناد مرتبط با سقط حضرت محسن علیه السلام با انگیزه پاکسازی صفحات تاریخ از یورش هواداران ابوبکر به حضرت فاطمه علیها السلام دستخوش تحریف و کتمان گردیده است. داستان خیانتگر تاریخنگاران مکتب خلافت، با به کارگیری دو شیوه، به ایجاد تحریف درباره نحوه درگذشت حضرت محسن علیه السلام دست یازیده‌اند.

شیوه یکم: انکار سقط حضرت محسن علیه السلام

اشاره

نقلهای تحریف آمیز نویسندگان اهل سنت در این زمینه را می‌توان در سه قالب دسته بندی نمود:

قالب اول: ادعای مرگ حضرت محسن علیه السلام در کودکی!

چنانچه در شماره سوم از فصلنامه «ندای اسلام» می‌خوانیم: «محسن در کودکی وفات کرد»! (۲) سند شماره یک و دو طبری (متوفای ۳۱۰) و ابن اثیر (متوفای ۶۰۶) می‌نویسند... و آنه توفی صغیراً. (۳) و در کودکی از دنیا رفت. سند شماره سه ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲) می‌نویسد... مات صغیراً. (۴) در خردسالی از دنیا رفت. سند شماره چهار ابن قدامه (متوفای ۶۲۰) می‌نویسد... مات طفلاً. (۵) در کودکی درگذشت. سند شماره پنج سبط بن جوزی (متوفای ۶۵۴) می‌نویسد... مات طفلاً. (۶) در کودکی درگذشت. کتمانی در پی کتمان مقدسی (متوفای ۳۵۵) درباره حضرت محسن علیه السلام می‌نویسد... و هو الذی تزعم الشیعه أنها أسقطته من ضربیه عمر و کثیر من أهل الآثار لا يعرفون محسنًا. (۷) وی همان است که شیعه باور دارد: فاطمه وی را بر اثر ضربه (فرو کوفتن) عمر سقط کرد، با آن که اکثر وقایع نگاران محسن را نمی‌شناسند. همانطور که ملاحظه می‌فرمایید، «مقدسی» برای زیر سؤال بردن اعتبار عقیده شیعیان درباره ماجرای سقط حضرت محسن علیه السلام، در کمال بی‌پروایی می‌نویسد:

«اکثر وقایع نگاران محسن را نمی‌شناسند.»! در حالی که اندک جستجویی در منابع تاریخی اهل سنت، حاکی از آن است که آنان، وجود فرزندی به نام «محسن» را پذیرفته‌اند؛ هرچند درباره سرگذشت او به تحریفهای متعددی دست یازیده‌اند تا از نظام خلافت هواداری کرده باشند. ظاهراً خود «مقدسی» هم متوجه این گزافه‌گویی‌اش گردیده است؛ لذا در ادامه کتابش، درباره حضرت محسن علیه السلام می‌نویسد: فَأَمَّا مُحْسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ هَلَكَ صَغِيرًا. (۸) اما محسن فرزند علی در کودکی از میان رفت.

قالب دوم: ادعای مرگ حضرت محسن علیه السلام در نوزادی!

سند شماره یک بدخشان (متوفای ۱۱۲۶) می‌نویسد...: فَمَاتَ رَضِيْعًا. (۹) در شیرخوارگی درگذشت.

قالب سوم: ادعای مرگ حضرت محسن علیه السلام بلافاصله پس از تولد!

سند شماره یک ابن حزم اندلسی (متوفای ۴۵۶) می‌نویسد...: مات صغيراً جداً إثر ولادته. (۱۰) در آغاز کودکی، بلافاصله پس از تولدش از دنیا رفت.

شیوه دوم: کتمان حوادث سقط حضرت محسن علیه السلام

در این شیوه، علیرغم اعتراف به سقط حضرت محسن علیه السلام، از بازگویی حوادث ناگواری که به این واقعه منجر گردید، اجتناب می‌شود و به عوامل تأثیرگذار در وقوع سقط، هیچ اشاره‌ای نمی‌گردد. سند شماره یک ابن صباغ مالکی (متوفای ۸۵۵) می‌نویسد...: و أَنَّهُ كَانَ سَقَطًا. (۱۱) که وی، بچه‌ای سقط شده بود. سند شماره دو صفوری شافعی (متوفای ۸۹۴) می‌نویسد...: و الْمُحْسَنُ كَانَ سَقَطًا. (۱۲) و محسن، کودکی سقط شده بود. جالب است که وی در کتاب دیگرش به نام «المحاسن المجتمعة فی الخلفاء الأربعة» (۱۳) سقط شدن حضرت محسن علیه السلام را از کتاب «الإستیعاب» تألیف ابن عبدالبر (متوفای ۴۶۳) نقل مینماید؛ در حالی که در چاپهای فعلی از کتاب «الإستیعاب» نشانی از آن یافت نمی‌گردد؟! با بهره‌گیری از نقل ذیل، زمان حادثه را نیز میتوان دریافت: سند شماره سه ابن بطریق (متوفای ۶۰۰) می‌نویسد: و فی رِوَايَةٍ: أَنَّ فَاطِمَةَ أَسْقَطَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ذَكَرًا كَانَ سَمَاءَ النَّبِيِّ وَهُوَ حَمْلٌ مُحْسَنًا. (۱۴) و در روایتی نقل شده است: فاطمه پس از [رحلت] رسول خدا، فرزند پسری را سقط نمود که پیامبر وی را در حالی که جنین بود محسن نامگذاری کرده بود. کتمانی شگفت‌انگیز ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای ۶۵۶) از استادش ابو یحیی [جعفر النقیب (متوفای قبل از ۶۴۴) پرسید...: أُرْوَى عَنْكَ مَا يَقُولُهُ قَوْمٌ: «إِنَّ فَاطِمَةَ رُوِعَتْ فَأَلْقَتْ الْمُحْسَنَ»؟ فَقَالَ: لَا تَرَوْهُ عَنِّي وَلَا تَرَوْهُ عَنِّي بَطْلَانَهُ... (۱۵) آیا از تو روایت کنم قول گروهی را که می‌گویند: «فاطمه ترسانده شد، پس محسن را سقط نمود»؟ او گفت: از من روایت نکن و بطلان این ماجرا را نیز از قول من نقل ننما...

نشانه‌های کشف حقیقت

سند شماره یک ذهبی (متوفای ۷۴۸) در شرح زندگانی ابن ابی دارم (۱۶) (متوفای ۳۵۲) از قول ابن حماد کوفی (۱۷) چنین می‌نویسد...: حضرت و رجل یقرأ علیه: إِنَّ عَمْرَ رَفَسَ فَاطِمَةَ حَتَّى أَسْقَطَتْ بِمُحْسَنِ. (۱۸) بر او وارد شدم؛ شخصی نزد او می‌خواند: عمر چنان با لگد به سینه فاطمه کوبید که وی، محسن را سقط نمود. یادآور می‌شویم که ذهبی در آثار خود، به تضعیف شخصیت ابن ابی دارم همت گماشته و سخن ابن حماد را نیز با همین هدف نقل کرده است؛ چرا که ذهبی، از زمره باورمندان به «عدالت همه صحابه، به ویژه عدالت خلفا و هواداران آنها» میباشد؛ تا آنجا که پرهیز از نقل مطاعن صحابه را «مبنای نگارش» کتابهای خود قرار داده و به صراحت نیز به لزوم رعایت این مبنا در تاریخنگاری، اعتراف کرده است. (۱۹) به هر حال باید توجه داشت: «تضعیف یک

راوی» آن هم به این دلیل که وی از «مطاعن خلفا» سخن به میان آورده است؛ یکی از شیوه‌های اهل سنت، برای سرپوش نهادن بر حقایق میباید. خاطر نشان می‌گردد که اگر اتهاماتی چون: رافضی بودن، شتم شیخین، سبب تضعیف یک راوی گردد، در سلسله راویان صحاح سته با افرادی مواجه می‌شویم که علیرغم اصابت این قبیل اتهامات به آنان، صحت حدیثشان پذیرفته شده است. (۲۰) توجه در فضایی که تمام همت حدیث‌نگاران و تاریخ‌نویسان اهل سنت به «تبرئه خلفا از طریق تضعیف راویان مطاعن آنها» معطوف می‌باشد؛ (۲۱) سندهای تاریخی فوق، همچون «بانگ بیدارباشی» است که هر پژوهشگر ژرفنگری را به بازنگری در نقلهای متعارف اهل سنت درباره حضرت محسن علیه السلام وا میدارد و هر محقق کنجکاو را به جستجوی بیشتر برای کشف حقیقت ماجرا ترغیب می‌نماید؛ هر چند که اظهار شده: گاهی ندرتاً از بعضی عوام نه علماء شنیده می‌شود که حضرت عمر بن الخطاب لنگه دروازه خانه را به پهلوی حضرت فاطمه الزهراء بنت رسول الله همسر حضرت علی زد و پهلوی حضرت فاطمه تا آنجا صدمه دید که جنین در شکمش تلف شد. این طفل همان پسر حضرت علی است به نام محسن. اصلاً این امر صحت ندارد. من این مطلب را در هیچ کتابی از هیچ فرقه ای ندیده‌ام و از هیچ عالم روحانی هیچ طایفه ای نشنیده‌ام! (۲۲)

گفتار دوم: آشنایی با حقیقت ماجرای سقط حضرت محسن علیه السلام

حقیقت پنهان

علیرغم تلاش گسترده تاریخ‌نویسان اهل سنت در زمینه ایجاد تحریف در اسناد و مدارک حاکی از ماجرای سقط حضرت محسن علیه السلام، صفحات برخی منابع مکتب خلافت، اعتراف تکان دهنده ای را در خود گنجانده‌اند. اعتراف صریح و شفاف که نقش مهمی در راهنمایی پژوهشگران به سوی کشف «حقیقت ماجرا» ایفا می‌نماید و درست به همین دلیل، به شدت مورد انکار هواداران خلفا قرار گرفته است؛ چنانچه در شماره سوم از فصلنامه «ندای اسلام» می‌خوانیم: «نخستین کسی که به جعل داستان شهادت حضرت فاطمه زهرا پرداخت، ابراهیم بن سیار نظام رئیس فرقه نظامیه بود!» (۲۳)

آشنایی با شخصیت علمی «نظام»

ابراهیم بن سیار بن هانی بصری معتزلی (متوفای ۲۳۱) چهارمین شخصیت برجسته معتزله می‌باشد که در مدرسه اعتزال بصره رشد نموده است. ابن حزم اندلسی (متوفای ۴۵۶) درباره اش می‌نویسد: ... رَأْسُ أَهْلِ الْإِعْتِزَالِ مَعَ عَلُوِّ طَبَقَتِهِ فِي الْكَلَامِ وَ تَمَكُّنِهِ فِي الْعِلْمِ وَ تَحْكُمِهِ فِي الْمَعْرِفَةِ. (۲۴) بزرگ معتزله که مرتبه اش در کلام والا، در علم چیره دست و در معرفت استوار بود. خطیب بغدادی (متوفای ۴۶۳) درباره اش می‌نویسد: ... وَ كَانَ أَحَدَ فُزَّانِ أَهْلِ النَّظَرِ وَ الْكَلَامِ عَلَى مَذْهَبِ الْمُعْتَزِلَةِ. (۲۵) و او یکی از یگانه تازان اندیشه و کلام در مذهب معتزله بود. ابن ماکولا (متوفای ۴۷۵) درباره اش می‌نویسد: ... وَ كَانَ أَحَدَ فُزَّانِ الْمُتَكَلِّمِينَ. (۲۶) و او یکی از یگانه تازان کلام بود.

متن اعتراف «نظام» درباره حضرت محسن علیه السلام

سند شماره یک شهرستانی (۲۷) (متوفای ۵۴۸) می‌نویسد که وی معتقد بود: إِنَّ عَمْرَ ضَرَبَ بَطْنَ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّى أَلْقَتَ الْجَنِينَ مِنْ بَطْنِهَا. (۲۸) عمر در روز بیعت چنان ضربه ای بر شکم فاطمه کوبید که وی جنین را از شکمش فرو انداخت. سند شماره دو صفدی (متوفای ۷۶۴) می‌نویسد که وی معتقد بود: إِنَّ عَمْرَ ضَرَبَ بَطْنَ فَاطِمَةَ يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّى أَلْقَتَ الْمُحْسَنَ. (۲۹) عمر در روز بیعت چنان ضربه ای بر شکم فاطمه کوبید که محسن را فرو انداخت. توجه ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای ۶۵۶) از قول جاحظ

(متوفای ۲۵۵) می‌نویسد: نَظَام، شیعیان را به دلیل بدگویی کردنشان از صحابه، به شدت مورد رد و نفی (انکار) قرار می‌داد. (۳۰)

پی‌نوشت

(۱) - جهت آشنایی با برخی از اسناد و مدارکی که در این کتاب بدانها نپرداخته‌ایم، به کتاب «دانشنامه شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام» بخش، یکم، کتابهای دوم و سوم (چاپ: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر) مراجعه فرمایید. (۲) - عبدالعزیز نعمانی: مقاله «فاطمه زهرا از ولادت تا افسانه شهادت» مندرج در فصلنامه ندای اسلام، شماره ۳، ص ۶۴. (۳) - تاریخ الأمم و الملوک، ج ۵، ص ۱۵۳؛ الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۳۹۷. (۴) - الإصابه، ج ۴، ص ۴۷۱. (۵) - التبین، ص ۱۳۳. (۶) - تذکره الخواص، ص ۱۹۳. (۷) - البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۲۰. (۸) - البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۷۵. (۹) - نزل الأبرار، ص ۱۳۴. (۱۰) - جمهره أنساب العرب، ص ۳۷. (۱۱) - الفصول المهمه، ص ۱۲۶. (۱۲) - نزهة المجالس، ج ۲، ص ۱۸۴ و ص ۱۹۴. (۱۳) - نسخه مصوره بمکتبه المحقق الطباطبائی، ص ۱۶۴. (۱۴) - عمده عیون، ص ۷۴. (۱۵) - شرح حدیدی، ج ۱۴، ص ۱۹۳. (۱۶) - ابن عماد حنبلی (متوفای ۱۳۵۰) درباره شخصیت علمی او می‌گوید: كَانَ مُحَدِّثَ الْكُوفَةِ وَ حَافِظَهَا. او در کوفه، «محدث» و «حافظ» (از حفظ دارنده احادیث بسیار) بود. (شذرات الذهب، ج ۳، ص ۱۱) (۱۷) - بسیاری از بزرگان اهل سنت، وی را ستوده‌اند: (ر.ک: سیر أعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۳۰۹؛ تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۷۵۹؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۶۱۵) (۱۸) - میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۳۹؛ ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲) نیز مشابه مطلب فوق را درباره ابن ابی‌دارم می‌نویسد. (لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۶۸) (۱۹) - ر.ک: سیر أعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۹۲ - ۹۳. (۲۰) - ر.ک: سایت مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عج، مقاله اعتراف ابن ابی‌دارم. (۲۱) - برای مثال: از احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱) مؤلف کتاب المسند سؤال شد: آیا از حسین بن الحسن الأشقر روایت نقل می‌کنی؟ احمد پاسخ داد: او کسی نیست که دروغ بگوید ... گفتند: او درباره ابوبکر و عمر روایاتی نقل کرده و بابتی را در معایب آن دو تألیف نموده است. احمد گفت: اگر چنین باشد، او صلاحیت آن را ندارد که از وی روایت کنیم. (تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۹۱) (۲۲) - سید عبدالرحیم خطیب (امام جمعه پیشین اهل سنت بندرعباس)، کتاب «صهرین» ص ۳۰۱. (۲۳) - عبدالعزیز نعمانی: مقاله «فاطمه زهرا از ولادت تا افسانه شهادت»، مندرج در فصلنامه ندای اسلام، شماره ۳، ص ۶۹. (۲۴) - طوق الحمامه، ص ۱۲۷. (۲۵) - تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۹۶. (۲۶) - الإكمال، ج ۷، ص ۲۷۴. (۲۷) - هر چند که شهرستانی (و امثال او) به دلیل تعصبات تند تسنن گرایانه، این اعتراف را با هدف «بی اعتبار جلوه دادن نَظَام» نقل میکنند؛ ولی باید توجه داشت: این شیوه از تضعیف که برخاسته از طرفداری کورکورانه از نظریه عدالت صحابه میباشد خود قرینه‌ای است که با آنکا بر آن، می‌توان بر اعتبار نقل مذکور پای فشرد. (۲۸) - الملل و النحل، ج ۱، ص ۵۷. (۲۹) - الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۷. (۳۰) - شرح حدیدی، ج ۲۰، ص ۳۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ

وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵ نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه

کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتمّاً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».